

مرحله سوم

فصل هشتم

پایان ناگهانی ممکن است لازم گردد

من راجع به پایانی که اشتباهاً بخاطر ادامه ندادن متقاضی یا دلایلی که مربوط به مشاور بوده، صحبت کرده ام. حال راجع به موقعیت هائی که پایان مشاوره را ناگهان لازم می دارند، صحبت خواهم کرد.

ابتدا، موردی است که به نظر شما معلوم است مشاوره انجام نمی گیرد (در پرتو کلام). بیاد داشته باشید که تنها ایمانداران حقیقی می توانند در فیض خدا رشد کنند، گناهان گذشته را پشت سر گذارند، و راه های جدید خدا را جایگزین کنند. در صورتی که به نحوی معلوم شده که متقاضی مسیحی نیست (متقاضی اعتراف کرده، یا شما حدس زده اید و با پیگیری حقیقت ثابت شده)، مشاوره باید ناگهان پایان گیرد.

اما، این به معنی آن نیست که متقاضی از جلسات نیز اخراج می شود. به هیچ عنوان کاری که باید انجام بگیرد این است که به او بفهمانید، تنها از طریق کلام خدا است که با ایمانداران مشورت می کنید:

رومیان ۸

۸: و کسانی که در حاکمیت نفس هستند، نمی توانند خدا را خشنود سازند.

شما خیال ندارید زندگی کسی که پسندیده خدا نیست را، تبدیل به نوع ناپسند دیگری کنید. پس چکار باید کرد؟ جلسات مشاوره تبدیل به جلسات بشارت می گردند. مشاوره به درجه دوم اولویت قرار می گیرد. حال باید از خدا و انسان شروع کرد تا به توبه و ایمان دسترسی پیدا کرد. البته بعنوان مشاور مسیحی باید همچنین به او بگوئید، خدا راه حل مسائل و مشکلات او را دارد، اما ابتدا باید عیسی را بعنوان فرزند یگانه خدا، قبول بکند و پیرو او بگردد. صفات خدا تنها برای ایمانداران نگهداری شده.

اما در همین رابطه باید این هشدار را نیز بدهید، منظور از ایمان به عیسی مسیح تنها این نیست که با زبان اعتراف کند، بخاطر آنکه می خواهد جلسات مشاوره ادامه پیدا کنند. تنها زمانی که دلش لمس شده ایمان آورده است. در غیر این صورت، هر چه در جلسات مشاوره انجام بگیرد در حقیقت به ضرر او تمام خواهد شد. خدا از او خوشنود نخواهد بود، و رفتارها تنها ظاهری خواهند بود (مانند فریسیان)، و نهایتاً بخاطر دورویی ایجاد شده مسائل و مشکلات او بیشتر خواهند شد، و او از پای در خواهد آمد. این هشدار را اکثر مسیحیان نمی دهند!

اگر متقاضی آینده شما به عیسی مسیح ایمان آورد، آموزش بسیاری را باید کسب کند. اما فهم و دانش کمی که دارد در حقیقت به نفع او تمام می شود. می تواند او را چنان به وجد در آورد که سریعتر از کسانی که مدتی است ایمان آورده اند درک کند و حفظ نماید. بیاد بیاورید کلیسای افسس را که "محبت نخستین" خود را از دست داده بود:

مکاشفه ۲

۴: «اما این ایراد را بر تو دارم که محبت نخستین خود را فرو گذاشته ای.

این محبت اولی که در ابتدای ایمان، چنان غیرتی برای خدا ایجاد کرده بود، سر انجام اعمالی را بجای آورد که پسندیده خدا بود:

مکاشفه ۲

۵: به یاد آر که از چه اوجی سقوط کرده ای. پس توبه کن و اعمالی را به جا آور که در آغاز به جا می آوردی. چه اگر توبه نکنی، خود خواهم آمد و چراغدانت را از آنجا که هست برمی گیرم.

از آن هیجان و اشتیاق استفاده کنید و آموزش فشرده، اما کلی کلام، را به او بدهید. ممکن است زمانی که شوق و اشتیاق او کمتر شد، با چنین سرعتی نتواند پیش برود. دلایل دیگری نیز هست برای آنکه مشاوره را نا بهنگام پایان داد. یکی از دلایل تاسف بار در مشاوره مسیحی، زمانی است که متقاضی کراراً از انجام خواست خدا ممانعت می کند. در چنین صورتی، مرحله پایانی مشاوره تبدیل به مرحله انضباط خواهد شد. بیاد داشته باشید که کلیسای عیسی مسیح هیچ ایماندار را تادیب نمی کند، اما در صورت لزوم، انضباطی که کلام خدا بطور واضح نشان داده را اجرا می نماید. اگر متقاضی مکرراً امتناع ورزد (تمرد)، آنگاه از کلیسا اخراج می گردد. تمرد یعنی رد کردن حاکمیت خدا، و کلیسا مسئول اجرای احکامی است که خدا در کلام به او داده. این حاکمیت را نمی توان نادیده گرفت. امروزه دورانی را می گذرانیم که حاکمیت، ناپسند محسوب شده، و پیشنهاد می شود خلاف آن ایستادگی نیز کرد. اما حاکمیت حقیقی تنها از خدا است که بی نهایت است، و از او نیز صادر می گردد. زمانی که حاکمیت کلیسا از میان برود، همه نوع حاکمیت از میان خواهد رفت. ببینید کلام خدا چه می گوید:

عبرانیان ۱۳

۱۷: از رهبران خود اطاعت کنید و تسلیم آنها باشید؛ زیرا ایشان بر جانهای شما دیده بانی می کنند و باید حساب بدهند. پس بگذارید کار خود را با شادمانی انجام دهند نه با آه و ناله، زیرا این به نفع شما نخواهد بود.

هیچ شک و ابهامی در این فرمان نیست، مگر بخواهید آیه دیگری را نیز بکار برید:

تیتوس ۲

۱۵: اینها را بگو، و با کمال اقتدار تشویق و توبیخ کن، و مگذار کسی تو را حقیر شمارد.

آنچه در متی راجع به انضباط نوشته شده نیز گویای این حقیقت است:

متی ۱۸

۱۵: «اگر برادرت به تو گناه ورزد، نزدش برو و در خلوت خطایش را به او گوشزد کن. اگر سخت را پذیرفت، برادرت را بازیافته ای؛

تمرد، امتناع از پذیرفتن سخنانی است (“گوشزد”، “سخن”) که کلیسای در حکم خدا بیان کرده. شخصی که کراراً نمی پذیرد، خود را مرتد می سازد.

اگر متقاضی شما به خاطر تفرقه سازی به شما معرفی شده، در این مورد نیز باید مشاوره را (پس از یک یا دو جلسه برای ایجاد توبه بنای رابطه جدید) پایان بدهید:

تیتوس ۳

۱۰: به آن که عامل تفرقه است یک بار، و سپس برای دومین بار هشدار ده، و از آن پس، با او قطع ارتباط کن.

معمولاً مشاوران جلسات را بخاطر اهمیتی که برای متقاضی دارند، بیش از حد ادامه می دهند. در صورتی که در این مدت کلیسا ممکن است دچار دو دستگی شود. من این را "اهمیت نا بجا" نام برده ام، چون نگرانی اصلی باید برای اعضای کلیسا باشد. کلیسا است که در خطر است. به تیتوس گفته شد که مشاوره را ادامه ندهد و انضباط را نیز کاملاً اجرا نکند. گفته شد که مشاوره را ناگهان پایان داده، و قطع رابطه کند. منظور، عجله ای است که در کار است، بخاطر آنکه شخص سرکش و متمردي در کلیسا هست که می تواند بزودی ویرانی ببار آورد. کسانی که فکر می کنند می توانند بیش از خدا بخشنده باشند، اشتباه بزرگی می کنند، و معمولاً باعث از هم پاشیدگی اعضا می گردند. تفرقه موضوع بسیار خطرناکی است، و هیچ گاه نباید تحمل بگردد.

مشاوره زمانی باید پایان بگیرد که متوجه می شوید توانائی رسیدگی به مسائل متقاضی را ندارید. و صحیح است که متقاضی را نیز از این موضوع با اطلاع کنید. سپس لازم است مشاوره که شایستگی دارد را پیدا کرده و متقاضی را به او معرفی کنید. هیچ خفت یا رسوائی در ندانستن چیزی وجود ندارد. اما، رسوائی را برای کسانی که آموزش پذیر نخواهند بود، باید ایجاد کرد. زمانی که متقاضی را به مشاور دیگر معرفی می کنید، خود را نیز معرفی نکنید. شاید شما نیز بتوانید از او بیاموزید. چرا نباید ضعیفی که خدا در شما افشا نموده نیز شامل برکت او گردد؟

سپس متقاضی هست که اصرار دارد بقدر کافی مشورت کرده، در صورتی که برای شما واضح است که این طور نیست. شما این را به او گفته اید و دلیل قضاوت خود را نیز بازگو کرده اید، اما او گوش نمی دهد. آنگاه چکار باید کرد؟ می گوئید، "بسیار خوب، اگر این اصرار شما است، خلاف نظری که من دارم مشاوره را پایان خواهیم داد. البته ممکن است شما درست گفته باشید. اما من فکر نمی کنم، و در صورتی که متوجه شدید اشتباه کرده اید و مسائل و مشکلات شما را از پای در آورد، من حاضر خواهم بود همین جا شما را دوباره ملاقات کنم".

امیدوارم حال توجه کرده اید، با وجود آنکه صحیح نیست قبل از اتمام کار، مشاوره را پایان داد، در بعضی مواقع خاص، پایان ناگهانی ممکن است لازم گردد. در حقیقت در خصوص بعضی موارد پایان ناگهانی باید صورت بگیرد. نقش خود بعنوان خادم کلیسا (تمام اعضا) را نیز فراموش نکنید، و حرمت مقدس کلیسا را حفظ کنید.

مرحله سوم

فصل نهم

با دو متقاضی چکار باید کرد؟

بسیاری از موارد مشاوره ای که خواهید داشت، با زن و شوهران متاهل، والدین و فرزندان، و افرادی که نیاز به مصالحه و آشتی دارند، خواهد بود. حال ببینیم آنچه تابحال در مورد یک متقاضی گفته ایم، ربطی به ”دو“ متقاضی پیدا می کند یا نمی کند. می توان گفت اکثر اصولی که گفته شده مربوط به دو متقاضی یا بیشتر نیز میگردند. بعنوان مثال، اگر زن و شوهری تفرقه ایجاد کرده باشند، تمام آنچه در فصل قبل صحبت از آن کردیم، ربط پیدا می کند. همچنین در خصوص اشخاصی که می خواهند مشاوره را زودتر یا دیر تر از موعد به پایان رسانند نیز می تواند ربط پیدا بکند. اساس اصول حاکم بر همه یکی است.

البته فرق های مهمی نیز وجود دارند که لازم است راجع به آن ها صحبت کرد. یک مورد، تفاوت واکنشی است که یک متقاضی با دیگری دارد، بصورتی که اولی زودتر از دیگری مرحله پایانی را به اتمام می رساند. در چنین صورتی چکار باید کرد؟ مشاور مجبور خواهد شد با چنین مسائلی روبرو شده و حل کند.

ابتدا در مورد متقاضیانی که سرعت پیشرفت هر یک مختلف است، باید بخواهید هر دو تا پایان کار، به جلسات ادامه دهند. متقاضی که سرعت بیشتری را داشته و برداشت کاملتری را بدست آورده، حال می تواند یار متقاضی دیگر باشد. آموزشی که در امر محبت بدست می آورد، لازم است در پرتو نیازهای متقاضی دیگر ادامه یابد. هر یک در خانواده ای رشد کرده ایم، و روزگاران را حال در خدمت و بنای خانواده تازه ای می گذرانیم. جلسات مشاوره می توانند بهترین موقعیت را برای آموزش و تربیت جمعی افراد فراهم سازد. از این فرصت ها باید کمال استفاده را برد.

اگر بعنوان مثال، میز مشاوره خوانوادگی به کار گرفته شده، لازم است همه افراد حضور داشته باشند تا برنامه ای که دارد، انجام گیرد (حال چه برنامه تنها مربوط به آنچه یکی از حضار لازم است انجام رساند باشد یا نباشد). هر دو باید در جریان کار باشند. به این شکل است که سوء تفاهم و تدلیس عمدی نیز خنثی می گردد.

اگر یکی از طرفین جلسه مصالحه حاضر به آشتی هست و دیگری نیست، هر دو باید حضور داشته باشند تا مصالحه انجام گیرد. منظور انجام خواست خدا در این مصالحه است که باید بر صدر همه اهداف دیگر باشد. علاوه بر این، اگر خیالتان این است که استحکام و مقاومتی را نیز در این رابطه بوجود آورید، نیاز به حضور هر دو دارید تا رابطه جدید استحکام جمعی خود را بگیرد.

امیدوارم با چند مثالی که آوردم برایتان مشخص شده باشد که متقاضیان به جایی خواهند رسید که نیاز به همکاری و یاری یکدیگر دارند، و در این میان است که خداوند کارش را به کمال می رساند. رابطه با خدا شامل رابطه با دیگران می گردد (به عبارتی می توان گفت: کلمه جسم می پوشد).

یکی از راه های توبه یک متقاضی، یاری متقاضی دیگر است، که نتوانسته تا بحال آنچه لازم است را انجام رساند. اگر توبه کار، بتواند تشویق و یا کمکی به او برساند، نه تنها خود در این راه آزموده می شود، بلکه شما را در جریان کار مشاوره نیز یاری کرده است. کلام خدا در این مورد کاملاً مشخص صحبت کرده:

۲۴: و در فکر آن باشیم که چگونه می توانیم یکدیگر را به محبت و انجام اعمال نیکو برانگیزانیم.

راه خدا آن نیست که هر گاه نیاز های خودمان برآورده شد، کنار بکشیم و راه خودمان را دنبال کنیم. در بسیاری از موارد لازم است این توضیحات را به متقاضیان بدهید. راه خدا راه همکاری و همراهی است که شامل ابراز محبت می گردد. اصول حاکم در همه جا یکی هستند. از تکرار این حقایق قافل نمانید. زندگی مسیحیان شامل محبت و ابراز آن است، بگونه مختلفی که زندگی ما را بنا ساخته و خواهد ساخت.

ممکن است یک متقاضی از خود تعریف کند که توانائی انجام خواست خدا را تا بحال داشته، و خود را در قیاس با دیگری قرار دهد. باید نشانه های وقوع چنین موقعیتی را بشناسید و در محبت او را از خود محوری که بدست آورده آگاه کنید و او را از آن منجلا بپروان کشانید و نظرش را متمرکز دیگری نمائید. بیاد او بی آورید که اگر فیض خدا در کار نباشد، هیچ کاری بطور صحیح انجام نمی گیرد. فیضی که دریافت کرده ایم ما را فروتن می سازد، و خلاف دورویی که در فریسی بود که به خود دعا می کرد، عمل می کند(۱):

لوقا ۱۸

۹: آنگاه برای برخی که از پارسایی خویش مطمئن بودند و بر دیگران به دیده تحقیر می نگریدند، این مثل را آورد:

۱۰: «دو تن برای عبادت به معبد رفتند، یکی فریسی، دیگری خراجگیر.

۱۱: فریسی ایستاد و با خود چنین دعا کرد: "خدایا، تو را شکر می گویم که همچون دیگر مردمان دزد و بدکاره و زناکار نیستم، و نه مانند این خراجگیرم.

۱۲: دو بار در هفته روزه می گیرم و از هر چه به دست می آورم، ده یک می دهم."

۱۳: اما آن خراجگیر دور ایستاد و خواست حتی چشمان خود را به سوی آسمان بلند کند، بلکه بر سینه خود می کوفت و می گفت: "خدایا، بر من گناهکار رحم کن."

در صورتی که شخصی تنها بعنوان شاهد معرفی شده، پس از اراعه شهادت های خود آزاد است جلسات را ترک کند. اما در صورتی که بخواهد در جلسات بماند (به دلیل نیاز به رشد روحانی)، می توانید جلسات مشاوره جدیدی را به نام او، بنا سازید، ولی نمی توان به حضور او ادامه داد. نباید موارد شخصی کسی را با دیگری ادغام کرد. همانگونه که نمی توان تمام مواردی که مسعله خشم را در میان دارند با هم ادغام کرد، چون هر شخص خشم خاص خود را دارد؛ نمی توان کسی را به جلسات مشاوره افزود.

حال موردی را در نظر بگیرید که در آن یک متقاضی خشم گین شده و نمی خواهد به مشاوره ادامه دهد، ولی دیگری می خواهد ادامه دهد (این موارد بیشتر در متقاضیان زن و شوهر پیش می آید). در این صورت لازم است ببینید چه کمکی می توانید به آنکه می خواهد بماند بکنید. خواست خدا برای او این نبوده؟ خدا فرزندانش را دور خود جمع می کند، نه از هم پراکنده. او را باید در ادامه به جلسات مشاوره تشویق و تحسین نمائید. در این صورت امیدی برای موفقیت مشاوره نیز، خواهد داشت. از جانب متقاضی که می خواهد جلسات را ادامه دهد، لازم است راجع به اختلاف هائی که بجای مانده مشورت کنید و در راهی که خدا برای اصلاح آن فراهم ساخته با او صحبت کنید و راه را نیز با او ببیمائید. در این خصوص شما در این رابطه شاهد بوده اید و برداشت های شما نیز معطوف بر جریان بوده. در نتیجه، ابتدا باید به آنچه تازه گذشته رسیدگی کنید و راهی

برای ادامه روابط محبت آمیز، میانشان فراهم سازید. اما آنچه مربوط به رابطه قبلی بود را باید از صحنه مشاوره دور کنید، چون آنچه قبلاً بوده آلت دست شیطان گردیده، و حال باید با آنچه از خدا است، مد نظر گردد. بیادش آورید، که حال، همه چیز عوض شده و لازم است روابط نیز تازه بگردد.

نمونه های بسیاری از مواردی که شامل دو متقاضی می باشند وجود دارند، و نمی توان راجع به همه صحبت کرد. آنچه عموماً مربوط به همه می شود، با تعدادی از خصوصیات مشترکی که دارند را در این فصل مورد بحث قرار داده ام. امیدوارم بتوانید همیشه اصول و اساس کلام را حاکم و ابتدا، مورد نظر قرار دهید، و سپس آنچه مربوط به هر دو می شود را بررسی کرده و جامع عمل ببوشانید. روابط میان مسیحیان از عمده خصوصیات خدا است. در آن کوشا باشید.

فهرست زیر نویس های فصل نهم

(۱) همچنین به آیات زیر مراجعه کنید:

فیلیپیان ۱

- ۳: هر گاه شما را به یاد می آورم، خدای خود را شکر می گویم
- ۴: و همواره در همه دعاها برای همگی شما شادمانه دعا می کنم،
- ۵: زیرا از روز نخست تا به امروز، در کار انجیل شریک بوده اید.
- ۶: یقین دارم آن که کاری نیکو در شما آغاز کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید.

غلاطیان ۶

- ۳: زیرا اگر کسی خویشتن را فرد برجسته ای پندارد، در حالی که به واقع کسی نباشد، خود را فریب می دهد.
- ۴: هر کس باید اعمال خود را ببازماید. در آن صورت فخر او به خودش خواهد بود، بی آنکه خود را با دیگران مقایسه کند.

راه این دنیا این است که مردم را در مقایسه با هم قرار می دهد. جامعه شناسی نیز اصول خود را بر تراز جمیع آمار و ارقام، بنا ساخته و با اصل حاکمیت خدا مقایرت دارد. بسیاری از مسائل میان فردی نیز بخاطر همین مقیاس ها است که ایجاد می گردند. مقایسه را نادیده نگیرید (در صورتی که افشا شد)، و بگونه صحیح، در محبت، آموزش های خدا گانه (آیات کلام خدا) را بدهید.

مرحله سوم

فصل دهم

نشانه های پایانی

من زمانی که با اتوموبیل خود از شهر اسپارتان آمریکا به منزل باز می گردهم، با خورسندی به علامت بنزین فروشی سیتکو می نگریم، چون می دانم خروجی بعدی از بزرگ راه مرا به منزل خواهد رساند. البته خورسندی من از خود علامت نیست، بلکه نشانه ای است که برای من ایجاد کرده. می دانم که این علامت، نزدیک شدن پایان راه را می رساند.

عیسی مسیح نیز صحبت از علامات کرد. او می گوید نسل شرارت پیشه و زناکار علامتی جز آنچه خدا به آنها می دهد را خواهان است (متی ۱۶: ۴). و صحبت از شناخت علائم هوا کرد گفت، نتوانستند علائم جدید زمانه را بشناسند. همچنین گفت که محاصره اورشلیم توسط قشون رومیان علامتی از ویرانی شهر و معبد آن است. این علامات نشانه ای از آنچه قرار است بوقوع پیوندد می باشند. مانند شکوفه دادن درخت انجیر است که عیسی مسیح اشاره به آن کرد، که فرا رسیدن بهار را اعلام می کند.

علاماتی نیز هست که فرا رسیدن پایان مشاوره را اعلام می کنند. وقتی با این علائم روبرو می شوم، می دانم که خاتمه جلسات نزدیک است. حال ببینیم این علائم کدامند. علائم را می توان به چهار قسمت زیر تقسیم کرد:

۱. زمانی که متقاضی مسئله عمده خود را حل کرده،
۲. زمانی که آیات عمده ای که استفاده شده را درک کرده،
۳. زمانی که عادات گناه آلود را با رفتار های عمده کتاب مقدس تعویض کرده، و
۴. زمانی که توانسته اصول عمده ای که آموخته را بکار ببرد.

وقتی این چهار مورد را گذراندید، زمانی است که به پایان جلسات رسیده است. حال هر یک را مورد نظر قرار خواهیم داد. اما قبل از آن، توجه شما را به کلمه ”عمده“ به کار برده جلب کنم. منظور این است که نمی توان انتظار کاملی از هر یک از قسمت ها داشت. کلام خدا می فرماید که در این زندگی امکان کامل شدن وجود ندارد. متقاضی می تواند جهش بزرگی را بدست آورد، اما کماکان نیاز های دیگری را پس از مشاوره خواهد داشت. یکی از نکاتی که باید به متقاضی گفت، این است که مشاوره تنها کمک کرده تا بتواند در آینده قدم های بیشتری را بردارد. مشاوره تنها بن بست یا گره ای که در کار بوده را از میان برداشته. زندگی کماکان ادامه دارد، و آنچه از طریق مشاوره بدست آمده را باید در زندگی آینده بکار برد.

۱. اولین علامتی که نشانه پایان را می دهد حل مسئله عمده متقاضی است. مسئله (یا مسائلی) که نیاز مشاوره را ایجاد کرد، همراه مسائل جانبی که متقاضی خود متوجه آن ها شد حل شده اند. اگر متقاضی بعنوان مثال، توانسته بر افسردگی خود غلبه کند، و همچنین از مسئله جانبی خود محوری نیز در آید، نشانه خوبی از حل مسئله می باشد.

۲. علامت دوم، شناختی است که متقاضی از آیات استفاده شده دارد. البته این شناخت بستگی به کیفیت آموزشی دارد که مشاور از این آیات داده (۱). وقتی متقاضی بداند چگونه از کلام استفاده شد تا آنچه از خدا بود جای شیطان را بگیرد (و نه عقاید مشاور)، آنوقت متقاضی راه استفاده از کلام را آغاز کرده است. این یکی از اهداف اصلی مشاوره است. مشاور می خواهد

متقاضی بداند و بتواند به زبان خود (البته مطابق با کلام خدا) آنچه خدا برایش کار کرده را تعریف کند، به چه دلیل و چه شکل انجام رسانده. متقاضی باید برداشت جامع و کاملی از آنچه خدا کرده را داشته باشد.

۳. علامت سوم، پیوستن آنچه متقاضی در مشاوره بدست آورده، با زندگی روزمره است. این کار یا با استفاده آن در حل مسائل آینده، یا عادت به انجام آن، صورت می گیرد. البته منظور این نیست که جلسات باید تا زمانی که عادت نشده ادامه یابند. پیگیری شش هفتگی بمنظور رسیدگی به چنین مسائلی نیز بنا شده است. عادت را می توان با نظارت هفتگانه پیگیری کرد، ولی نهایتاً لازم است متقاضی را به حال خود گذاشت و پس از شش هفته، چگونگی استفاده (در صورتی که استفاده شده) را سنجید.

۴. علامت آخر، استفاده دوباره از اصولی است که در مشاوره آموخته است. به عبارت دیگر، متقاضی توانسته خود اصولی که در مشاوره آموخته را به درستی به مسائل دیگر ربط بدهد، از کلام خدا استفاده کرده و راه انجام آن را خود ترتیب دهد، و برداشت صحیحی را نیز از پایان کارش به دست آورد. برداشتی که مشاور از این کار بدست می آورد اهمیت فوع العاده ای دارد، و اکثراً نیاز به شنیدن برداشت های متقاضیان خواهید داشت. بعنوان مثال، اگر موضوع مشاوره، جواب دادن نرم به شخص خشمگین بوده (۲)، و متقاضی در مقابل اعضای خانواده و محل کارش از آن استفاده کرده، لازم است برداشت دیگران را نیز شنید تا بتوان از کیفیت کار خبر دار شد. اگر بشنوید که دیگران روش تازه او را دیده و این کار کمک به ایجاد صلح و آرامش کرده، آنوقت می توانید اطمینان داشته باشید که نیازی به ادامه جلسات نیست و پایان قطعی در شرف انجام است. کیفیت کار را باید از صحنه نیز برداشت کرد.

البته در موارد بخصوص، ممکن است علامات دیگری نیز لازم باشد تا پایان کار ملاحظه گردد. اما عموماً، زمانی که شاهد این چهار نکته شدید، می توانید مطمئن باشید که پایان کار نزدیک است. این چهار نکته را در مد نظر هر یک از موارد مشاوره خود قرار دهید. تا زمانی که هر یک از نکات را ندیده اید، به جلسات پایان ندهید. ببینید چرا نکته ای انجام نمی گیرد. شاید اشکال با متقاضی است که سهل انگاری می کند و کار را انجام نمی رساند، یا اشکال با شما است که تکالیف صحیحی نداده اید. دوره مشاوره مسیحی را من عموماً به این شکل تقسیم کرده ام، که در شش هفته اول از جلسات می توانید انتظار نکات اول و دوم را داشته باشید. دو هفته بعد، نشانه های اولیه نکته سوم را مشاهده خواهید کرد (حدوداً هفته هشتم)، و هفته بعد از آن نیز، می توانید انتظار تعریف لفظی نکته چهارم را داشته باشید. بگذارید استفاده از آنچه بدست آمده را در جلسه پیگیری شش هفته مورد سنجش قرار دهید.

فهرست زیر نویس های فصل دهم

(۱) به لوقا ۲۴: ۲۷ و ۳۲ رجوع کنید.

(۲) به امثال ۱۵: ۱ رجوع کنید.

مرحله سوم

فصل یازدهم

مفاد پایانی

در انتهای آخرین جلسه مشاوره، لازم است مدارکی را به متقاضی بدهید تا کمکی برایش باشد (قبل از فرا رسیدن جلسه پیگیری شش هفته). در این مدارک، علاوه بر مشخصاتی از قبیل شماره تلفن ها و آدرس محل مشاوره، این نکات را نیز لازم است اضافه کنید:

۱. تکالیفی که برای شش هفته آینده در نظر گرفته اید (جای کافی برای این تکالیف بگذارید).
۲. تعدادی از آیاتی که محور و اساس تغییر متقاضی را ایجاد کرده اند را یادداشت کنید.
۳. و این دستور عمل ها:
 - الف: راجع به هیچ موردی، جز موقعیت های اضطراری، با مشاور خود تماس نگیرید.
 - ب: سوالاتی که در خصوص تکالیف دارید (چه خود ترتیب داده اید چه مشاور) را در قسمت توضیحات یادداشت کنید و به جلسه پیگیری بی آورید.
 - پ: برداشت خود از مسائلی که حل کرده اید را در قسمت "برداشت های شخصی من"، یادداشت کنید.
 - ت: برداشت خود از مسائلی که حل نکرده اید را نیز در قسمت "برداشت های شخصی من"، یادداشت کنید.
 - ث: هر سؤال یا نظر دیگری دارید را در قسمت یادداشت های متفرقه، نوشته و به جلسه پیگیری بی آورید.

من این مدرک را "صورت وضعیت دوره انفرادی" نام گذاشته ام، و بگونه ای که خود ترجیح می دهم طرح کرده ام (۱)، اما شما (بعنوان مشاور) می توانید هر شکلی که خود خواهان آن هستید (کمک بیشتری به شما می کند) به آن بدهید (در صورتی که مفاد لازم را حفظ کنید). در صورتی که بخواهید خود طرح آن را بدهید، بیاد داشته باشید که متقاضی لازم است بیشتر توجه خود را تمرکز بر انجام کار کند. در نتیجه، بخاطر آنکه متقاضی سرسام نگیرد، صحبت و گفت گو راجع به موارد مختلف بکنید تا روشن و ساده گردند. تکرار آنچه صحبت از آن شده در این قسمت لازم است.

فکر خوبی است این هشدار را نیز در پیرو ملاحظات اضافه کنید:

*خواهش می کنیم با مشاور خود تماس نگیرید.
نه با تلفن، فکس، ایمیل، اسکایپ، و یا غیره.
در موارد اضطراری با این شماره (—.—.—)
تماس بگیرید

*یکی از دلایل پیگیری شش هفته، سنجش پیشرفت هائی است که شما در این مدت، به تنهایی بدست آورده اید. به این دلیل تعجب نکنید زمانی که در این دوره با ما تماس می گیرید هیچ پیشنهاد یا مشورتی داده نمی شود. منظور پرورش

برداشتی است که از روح القدس بدست می آورید، که کاملاً امکان برآورد نیاز های شما را دارد.

تکالیف را در این قسمت جای دهید. سعی کنید دستور عملی که برای انجام تکالیف می دهید واضح، آشکار، و تا حدی که لازم است با تفسیر نوشته شده باشد. البته تکالیف باید ویژه متقاضی را داشته باشند. متقاضیانی نیاز به تفصیل بیشتری خواهند داشت، و بعضی علاوه بر دستور عمل واضح، نیاز به هشدارهای خاصی خواهند بود. بعضی نیز، احتیاج به آیات تشویق کننده، تقویت، و محرک کننده خواهند داشت. در پایان این صفحات، می توانید این موضوع را بیان کنید:

کار های بسیاری هست که خدا از شما می خواهد انجام دهید. اما بیاد داشته باشید که نمی توانید با حکمت و قدرت خود آنها را انجام دهید. آنچه لازم است و اهمیت دارد این است که در دعا هر دو را از خدا بخواهید، تا بتوانید برداشت هایی که او می خواهد را در این شش هفته بدست آورید. شما بگونه ای خود را در دانشگاه عیسی مسیح بشمارید، اما فارغ التحصیل از آن نشمارید. این شش هفته تنها گذاری است (تحولی تازه) که از مشاوره (دوره کوشش و تمرکز بر مسائل و مشکلاتی که مانع رشد روحانی شده اند)، به خدمات عمومی کلام خدا در کلیسایتان کرده اید. هیچ موضوعی مهمتر از آن نیست که خودآموزی کلام را همراه انتشاراتی که کشیش شما تصدیق کرده، و حضور دائم در جلسات کلیسایی، با مصاحبات با برادران و خواهران مسیحی، داشته باشید. همیشه سعی در ادامه این امورات بکنید و جزء برنامه هفتگی خود قرار بدهید. سلطه بر روزگار خود داشته باشید چون اگر چنین نکنید، روزگار است که سلطه بر شما خواهد داشت.

فهرست و صورت هایی که صادر می کنید نیز باید همیشه حاوی راهنمایی های لازم باشد. بیاد داشته باشید که نمی خواهید متقاضی در این شش هفته با شما تماس داشته باشد، و به این دلیل لازم است مروری بر همه فهرست و صورت های داده شده انجام گرفته باشد. معمولاً من پس از مرور هر مدرکی از متقاضی می پرسم، ”آیا چیزی در این مورد برای شما مشکوک هست، یا نیست؟“ در خصوص تکالیف لازم است از متقاضی بخواهید به زبان خود آنچه مورد نظر هر یک از تکالیف است را تعریف کرده و طریق انجام کار را توضیح بدهد. معمولاً متقاضیان قسمت هایی را نادیده می گیرند. بیشتر بخاطر آنکه دستخوش تمرکز بر موردی شده اند، تکلیف را اشتباه برداشت می کنند. هیچ موردی را مسلم نشمارید، بدون آنکه اطمینان از آن را دریافت کرده باشید. باید در این خصوص پافشاری کنید تا قبل از خارج شدن از جلسه، موضوع کاملاً روشن شده باشد. همه موارد باید در دنباله هم از جانب او تکرار شوند، تا بتوانید انتظاری که از او دارید را بجای آورده. شما مجری تکالیف نخواهید بود، ولی مدیریت اجرائی آن را عهده دار هستید و می خواهید نمونه ای باشد برای متقاضی. متقاضی لازم است مدیریت اجرائی آن را نیز بی آموزد تا بتواند خود در شش هفته آینده آن را بعهده بگیرد. آنچه آموزش می دهید راهنمای شش هفته او خواهد بود، و لازم است به درستی فهمیده باشد. هیچ مورد را بدون بررسی، قدر مسلم نشمارید.

مورد دیگری که باید دوباره مورد نظر قرار بگیرد، سرسپردگی است. راجع به این موضوع در مرحله اول صحبت کردم (فصل دهم). انجام کار است که تعیین کننده می باشد. اگر مطالب را از

یاد برده اید، بگذارید پنج مورد لازمه آن را بیاد آورم:

۱. شناخت آنچه در پیش است،
۲. نیازی که به اجرای آن است،
۳. نیاز بدست آوردن منابع لازم و فنون اجرای آن،
۴. برنامه ریزی و زمان بندی،
۵. انجام.

البته در فصل دهم صحبت از سرسپردگی در آغاز کار بود. حال، سرسپردگی مربوط به زمانی است که متقاضی خود به تنهایی به کار رسیدگی می کند. وقتی در مرحله پایانی به این موارد می اندیشید، باید اطمینان بدست آورید که متقاضی توانایی انجام آنها را کسب کرده است. خصوصاً در مورد شماره ۴، لازم است برنامه زمان بندی شده که برای تکلیف هفته آخر او می دهید، نمونه ای برای ادامه کار او گردد (برنامه زمان بندی شده شش هفته که خود طرح آن را می ریزد). او باید بی آموزد چگونه برنامه زمان بندی شده را خود برای خود ترتیب دهد. این کار باعث سرسپردگی بیشتری خواهد شد.

حال توجه دارید که کار های بسیاری هست که باید در پایان جلسات (قبل از شش هفته) انجام بگیرند. با درج بسیاری از مطالب در مدرک فراهم شده، و جای برای اضافه کردن نیاز های ویژه متقاضی، مدرک با ارزشی برای شما و برای متقاضی خواهد بود. بیاد او بی اندازید، این مدرک را با خود به جلسه پیگیری بی آورد.

موضوع دیگری که لازم به تذکر است، برداشتی است که متقاضی از این مدارک دارد. معمولاً متقاضیان فکر می کنند:

۱. ”این راهی است که همه باید طی کنند“، و نه، ”این راه خاصی است که برای من ترتیب داده شده“.

۲. ”این مدرک چاپ شده است. هتماً مدارک و کار های دیگری نیز در راه خواهد بود“.

این مدارک ممکن است متقاضیان را از جنبه شخصی و نهائی کار، دور کند و خود را همچنان در راه ادامه مشاوره ببینند. لازم است روحیه لازم را ایجاد کنید. مشاوره مرحله پایانی خود را می گذراند، و کار ها را متقاضی خود، بدوش خواهد گرفت و جوانب نهائی برداشت از مشاوره را، خود متقاضی انجام خواهد رساند. حال آموزش و انجام کار ها بدست او سپرده خواهد شد. خود باید مسئولیت انجام صحیح کار ها را بعده بگیرد. این مدارک تنها وسیله هستند. از آنها می توان بعنوان راهنما و ثبت سؤالات و برداشت ها استفاده کرد. کار عمده، تسلط بر زندگی، و استفاده صحیح از لحظاتی است که خدا به ما داده. روح القدس ساکن و حاضر است، و در دعا ما را تقویت و هدایت خواهد کرد. این بحثی است که جوانب ویژه و همچنین نهائی کار را برای متقاضی روشن می کند.

فهرست زیر نویس های فصل یازدهم
(۱) نمونه ای از طرح:

صورت وضعیت دوره انفرادی

*خواهش می کنیم تا حد امکان (با فکس، ایمیل، اسکایپ، یا غیره) با مشاور خود تماس نگیرید.
در موارد اضطراری با این شماره (—.—.—) تماس بگیرید

تکلیف شماره ۱

نیاز های ویژه شماره ۱

برداشت های شخصی من

تکلیف شماره ۲

نیاز های ویژه شماره ۲

برداشت های شخصی من

*یکی از دلایل پیگیری شش هفته، سنجش پیشرفت هائی است که شما در این مدت، به تنهایی بدست آورده اید. به این دلیل تعجب نکنید زمانی که در این دوره با ما تماس می گیرید هیچ پیشنهاد یا مشورتی داده نمی شود. منظور پرورش برداشتی است که از روح القدس بدست می آورید، که کاملاً امکان برآورد نیاز های شما را دارد.

صفحه ۱

صورت وضعیت دوره انفرادی

*خواهش می کنیم تا حد امکان (با فکس، ایمیل، اسکایپ، یا غیره) با مشاور خود تماس نگیرید.
در موارد اضطراری با این شماره (—.—) تماس بگیرید

تکلیف شماره ۳

نیاز های ویژه شماره ۳

برداشت های شخصی من

یادداشت های متفرقه

[illegible]

*یکی از دلایل پیگیری شش هفته، سنجش پیشرفت هائی است که شما در این مدت، به تنهائی بدست آورده اید. به این دلیل تعجب نکند زمانی که در این دوره با ما تماس می گیرید هیچ پیشنهاد یا مشورتی داده نمی شود. منظور پرورش برداشتی است که از روح القدس بدست می آورید، که کاملاً امکان برآورد نیاز های شما را دارد.

صورت وضعیت دوره انفرادی

*خواهش می کنیم تا حد امکان (با فکس، ایمیل، اسکایپ، یا غیره) با مشاور خود تماس بگیرید.
در موارد اضطراری با این شماره (— — —) تماس بگیرید

کار های بسیاری هست که خدا از شما می خواهد انجام دهید. اما بیاد داشته باشید که نمی توانید با حکمت و قدرت خود آنها را انجام دهید. آنچه لازم است و اهمیت دارد این است که در دعا هر دو را از خدا بخواهید، تا بتوانید برداشت هائی که او می خواهد را در این شش هفته بدست آورید. شما بگونه ای خود را در دانشگاه عیسی مسیح بشمارید، اما فارغ التحصیل از آن نشمارید. این شش هفته تنها گذاری است (تحویلی تازه) که از مشاوره (دوره کوشش های متمرکز بر مسائل و مشکلاتی که مانع رشد روحانی شده اند)، به خدمات عمومی کلام خدا در کلیسایتان کرده اید. هیچ موضوعی مهم تر از آن نیست که خودآموزی کلام را همراه انتشاراتی که کشیش شما تصدیق کرده، و حضور دائم در جلسات کلیسائی، با مصاحبات با برادران و خواهران مسیحی، داشته باشید. همیشه سعی در ادامه این امورات بکنید و جزء برنامه هفتگی خود قرار بدهید. سلطه بر روزگار خود داشته باشید چون اگر چنین نکنید، روزگار است که سلطه بر شما خواهد داشت.

*یکی از دلایل پیگیری شش هفته، سنجش پیشرفت هائی است که شما در این مدت، به تنهایی بدست آورده اید. به این دلیل تعجب نکنید زمانی که در این دوره با ما تماس می گیرید هیچ پیشنهاد یا مشورتی داده نمی شود. منظور پرورش برداشتی است که از روح القدس بدست می آورید، که کاملاً امکان برآورد نیاز های شما را دارد.

مرحله سوم فصل دوازدهم دوره شش هفته

اگر پایان را به معنی انتقال بشماریم، دوره شش هفته را باید par excellence یا ”درجه ممتاز“ (دوره شش هفته انتقال) آن شمرد. گفتن ندارد که زمان پر اهمیتی است. اما، با این وجود، زمانی است که مشاور نمی تواند نقشی در آنچه متقاضی می کند، داشته باشد. قبلاً صحبت از آن شد که باید برنامه ریزی کند و هشدار بدهد، تکلیف بسازد و تصحیح نماید، اما، در این دوره تنها باید ساکت و بی حرکت بماند و به زانو در دعا، متقاضی را بدست روح القدس بسپارد.

افسیان ۱

- ۱۵: از این رو من نیز چون وصف ایمان شما را به عیسی خداوند و محبتتان را به همه مقدّسان شنیدم،
- ۱۶: از شکر گزاری برای وجود شما باز نایستاده ام، بلکه پیوسته شما را در دعاهای خود یاد می کنم و
- ۱۷: از خدای خداوند ما عیسی مسیح، آن پدر پر جلال، می خواهم که روح حکمت و مکاشفه را در شناخت خود به شما عطا فرماید،
- ۱۸: تا چشمان دلتان روشن شده، امیدی را که خدا شما را بدان فراخوانده است، بشناسید و به میراث غنی و پر جلال او در مقدّسان پی ببرید،
- ۱۹: و از قدرت بی نهایت عظیم او نسبت به ما که ایمان داریم، آگاه شوید. این قدرت، برخاسته از عمل نیروی مقتدر خداست
- ۲۰: که آن را در مسیح به کار گرفت، آن هنگام که او را از مردگان برخیزانید و در جایهای آسمانی، بر دست راست خود نشاند،
- ۲۱: بس فراتر از هر ریاست و قدرت و نیرو و حاکمیت، و هر نامی که چه در این عصر و چه در عصر آینده ممکن است از آن کسی شود.
- ۲۲: و همه چیز را زیر قدمهای او نهاد، و مقرر فرمود که او برای کلیسا سر همه چیز باشد،
- ۲۳: کلیسایی که بدن اوست، یعنی پُری او که همه چیز را از هر لحاظ پُر می سازد.

حذف البته جای افتادگی متقاضی در چهار چوب حفاظتی کلیسایش می باشد، که آخر کار و تنها کاری است که باقی می ماند. منظور، شناخت و تجربه ای که از مشاوره بدست آورده، حال باید به جوانب کلیسایی که دارد، سوق داده شود. این دوره از پاکسازی، که زیر چتر ایمانی مشاوره مسیحی بنا گردید، حال باید زیر چتر کلیسای عیسی مسیح، رشد نهائی خود را ادامه دهد. جمیعاً دو کار هست، که در این دوره از زندگی روحانی متقاضی انجام می گیرد،

۱. دوره آزمایشی (آیا مشاوره مسیحی به اهداف خود رسیده است؟) و
۲. دوره ساکن شدن و ریشه دوانی (عادت به افکار و رفتاری که از خدا سرچشمه می گیرد).

ممکن است متقاضی در این دوره از زندگیش با شما تماسی بگیرد. اینجا است که لازم است حکمت خدا را بکار برده ببینید چه می توانید بکنید و چه نباید بکنید. بیاد داشته باشید که حذف کمک به متقاضی است تا راه و روشی که خدا از او می خواهد را پیدا کرده و از این طریق میوه

آورد. وقتی متقاضی تماس می گیرد، البته باید جواب مثبت را داد، اما، نمی توان نقشی در حل و فصل مسائل و تصمیماتی که می گیرد بعهده گرفت. اگر متقاضی به دفتر مشاوره می آید، نباید در اطاق مشاوره با او دیدار نمود. شاید بتوان از اطاق همکاران استفاده کرد. ممکن است متقاضی مسئله خطرناکی برایش پیش آمده، و از این لحاظ بدست آوردن اطلاعات لازم اهمیت زیادی دارد. ولی این را بیاد داشته باشید که هر مداخله ای که می کنید، به دوره شش هفته پایانی او می افزاید، چون هر نقشی که شما در زندگی او دارید، او را به جانب مشاوره شما بر می گرداند. نتیجتاً ابتدا باید برآورد کلی از جریان زندگی بدست آورده و حد عقل صحبت و مداخله را بکنید. او را باید در پناه روح خدا رها کرد. شما مسئول جنبه کوچک، البته پر اهمیت، اما با این وجود کوچک زندگی متقاضی بوده اید، ولی حال باید به دیگران نیز برسید. متقاضیانی هستند که خود را بیش از اندازه ضعیف می شمارند و نتیجتاً به نحوی دنبال کسی می گردند تا بعنوان مثال، ”بارشان را بدوش بکشد“. افکارشان درست است، اما رفتارشان خالی از حیاط می باشد. خصوصاً در این گونه از متقاضیان باید کنار کشیده و از دور ناظر زندگیشان بود. وابستگی که دارند را می توان به سادگی در خدمات کلیسایی ارضاء نمود. اما توجه نیز داشته باشید که ضعیف و آسیب پذیرند، و باید تا حد امکان ناظر جریانات زندگی آنها باشید. فراموش نکنید (بطوری که در فصل قبل به آن اشاره شد) متقاضی باید از همان مقدار برداشتی که از طریق مشاوره کسب کرده، در این شش هفته استفاده کند، کوشا باشد، و تکالیف را نوشته و برنامه زمان بندی شده را به مرحله اجرا آورد، و برداشت های خود را نیز ثبت کند. شش هفته را شما به او ارزه داشته اید و ایمان دارید توانائی پر قوه روح القدس را بخرج خواهد رساند، و سر افراز گشته، جلال را بخدا خواهد رساند.

از طرفی نیز نباید متقاضیانی که به زانو در آمده و شکایت می کنند و خود را طلبکار می شمارند نادیده گرفت. در چنین شرایطی باید جوانب را بسنجید و اگر خطری نیست، خود را کنار کشیده و از وابستگی هائی که قبلاً ایجاد شده بود، عمداً پرهیز نشان دهید. می توانید بگوئید، ”به مدارکی که دادم نگاه کنید. راهنمائی های لازم شده و باید کار را انجام داد و برداشت ها را ثبت کرد. همه چیز بقول معروف، ”صاف و پوست کنده بدستان شما داده شد و هیچ چیز کم کثر نداشت. خیال و تصورات پوچ را باید با انجام کار، جبران کرده و از میان ببرید“. با او دعا کنید و از خدا بخواهید او را غیور و ثابت قدم بگمارد. شنا کردن درون آب را انسان ابتدا با دست و پا زدن می آموزد، ولی دیر نمی گذرد که مانند ماهی در آب رفت و آمد می کند. باید گذاشت متقاضی دست و پای خود را بزند، کوشش های خود را بکند، و مزه پیروزی را نیز بشنود.

امکان دارد متقاضی نه تنها بکار مشغول نبوده، بلکه نگاه به مدارکی که قبلاً صحبت از آن کرده شده نیز نکرده است. حتی ممکن است به عقب برگشته و راه مردم و دنیا را پیش گرفته باشد. حال بی چاره و درمانده از شما می خواهد به داد او برسید. شما قبلاً مسائلی که داشته را در کلام به او نشان دادید، و راه حلشان را نیز نشان دادید، و او خود شاهد دست آورد ها بوده. حال آیات تشویق و محرک کننده را بطور خلاصه باز کنید و می توانید اشاره کلی به آغاز کار نیز بکنید. اما به هیچ وجه نگذارید تماس شما تبدیل به مشاوره گردد.

آیا متقاضی را در مرحله آزمایش قرار دادن کار صحیحی هست یا نه؟ پولس نظرش صحیح بود، و تمام کلیسا را به آزمایش گذارد:

دوم قرننیا ۲

۹: سبب نوشتنم به شما نیز این بود که شما را بیازمایم و ببینم آیا در هر امری فرمانبردار هستید یا نه؟

زمان آن همیشه می رسد که باید خود را کنار کشیده از صحبت و دخالت پرهیز کرد، و گذاشت روح القدس کارش را ادامه دهد، تا شاهد میوه خدا بود. میوه خواهد رسید، و آنوقت است که می توان دخالت کرده و پس از شکر گذاری، رابطه را به کلیسا سپرد. زندگی که شامل هدایت از روح القدس می باشد، آزمایش را نیز همراه دارد. ما نه تنها تونائی انجام خواست خدا را داریم بلکه می توانیم، و لازم است، زندگی خود را سنجیده و به جناب کمال هدایت کنیم. سنجش، خود می تواند کار شیرینی باشد، نه شور تافت فرسا. حیات در ابتدا ممکن است با گریه و شیون به دنیا آید، ولی در وقت خود، دست و پا میزند و آن را بکار می گیرد و جان را شیرین می سازد.

کلاً نمی توان دوره زندگی انفرادی ایمانداران را نا گوار و منفی شمرد. برخورد با تازگی های زندگی را باید در پرتو پیروزی حق بر باطل شمرد، نه چیز دیگر. مسائل و مشکلات ابتدا وخیم و ناگوارند، ولی پس از رسیدگی کلام خدا، مرهم یافته خدا را جلال می رسانند. متقاضی را تشویق کنید شهادت به آنچه در گذشته انجام داده کند، و حقیقت را به زبان آورده و هیچ موردی را از یاد نبرد. حال می تواند بگوید، ”من راه خدا را پیدا کرده ام، و در آن قدم برداشته ام. من کلام خدا را دارم و از آن آموخته ام، و آن را بکار برده ام. خدا مرا یاری کرد و در آینده نیز یار من خواهد بود.“ اما، توجه داشته باشید این حرف های او، جانب غرور و یا شکست خورده را نداشته باشد.

اول قرنیتان ۱۰

۱۲: پس اگر گمان می کنید استوارید، بهوش باشید که نیفتید!

فیلیپیان ۴

۱۳: قدرت هر چیز را دارم در او که مرا نیرو می بخشد.

جای آن را باید با شکر و سپاس از پیروزی که تابحال کسب خود کرده و با وعده های خدا، پر ساخت.

اما امکان دارد متقاضی شما در این مدت دچار تاخت و تاز شیطان شده و از پای در آمده است. وقتی او را در افکار و رفتار های بیگانه مشاهده می کنید، ریشه گناه را در جوانب مختلف زندگی او می بینید، نباید کنار کشیده و تنها ناظر جریان باشید. چاره نیست، شرایط زندگی او حکم آن را کرده که دخالت را دوباره بکار برید و یک یا دو جلسه را به منظور رسیدگی به پست گرائی ها بکنید. توجه داشته باشید که بیش از دو جلسه به آن نسیارید، چون در نهایت کلیسای او است که باید مسئولیت را بعهده بگیرد. اما پس از اتمام رسیدگی، دوره شش هفته را دوباره آغاز کنید. این کار را حتی اگر چنین پیش آمدی در هفته آخر شش هفته انجام شد، بکنید (۱). در خلاصه، دوره شش هفته، در صورتی که در راه صحیح انجام گرفته باشد، جنبه مهمی از سکونت متقاضی در خدا خواهد بود. حال متقاضی را به خدا می سپارید.

فیلیپیان ۲

۱۳: زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می سازد، در شما پدید می آورد.

متقاضی شما بر خلاف تصویری که دنیا دارد، تنها نیست. خدا خود گفته که، ”هم تصمیم و هم قدرت انجام“ کار ها را خواهد داد. از این بیشتر چه می توان خواست؟

فهرست زیر نویس های فصل دوازدهم

(۱) چرا؟ چون می خواهید اهمیت آزمایش دوره شش هفته را آشکار سازید. مقصود کنترل زندگی روحانی او است که خود باید در دست بگیرد. او نیاز به کار آموزی و استفاده از روح القدس دارد. مسائل را خود برانداز کند و راه حل را در کلام بیابد. کاری که همه ایمانداران به آن مشغولند. البته اگر متقاضی را مشاهده کردید بهانه آورده و ضعف را بخود راه داده، با او صحبت کنید و ضعف را از دلش در آورید. محبت همه ضعف ها را از میان می برد. دشمن می خواهد باز دارنده انجام کار ها باشد. نگذارید کار بدون انجام باقی ماند. هر چه سر انجام کار باشد نیکو است، چون دل در خدا مانده و او با دل کار دارد.

مرحله سوم

فصل سیزدهم

جلسه پیگیری

اگر همه کارها بخوبی پیش برود، این آخرین جلسه خواهد بود. شما باید آرزوی رسیدن به این جلسه را داشته باشید و متقاضی را کمک کنید آن را نیز داشته باشد. اگر چنین برداشتی را داشته باشد، سعی خواهد کرد در شش هفته آزمایش تمام اهداف خود را بدست آورد. در این جلسه شما لازم است تمام جوانب کاری که انجام داده اید را بررسی کنید و ببینید، چیست که به جای مانده، چیست که عقب نشینی کرده، و یا رشد کرده. البته نهایتاً مطلوب است که عقب گردی را مشاهده نمی کنید. اما، در صورتی که مشاهده کردید، باید درجه اهمیت که دارد را در نظر گرفته و به آن رسیدگی کرد. از طرفی، اگر متقاضی شش هفته خوبی را داشته، بنظر می رسد پایان مشاوری سررسیده، و آنوقت تنها کار مانده، دعای خیر و سلامتی برای زندگی پر بار و میوه او خواهد بود. برگه "سلامتی" او صادر شده و لازم است زندگی را ادامه دهد.

حال ببینیم این "مشاهدات" شما چه جوانبی را می توانند داشته باشند. باید از مدارک داده شده شروع کرد. این مدارک آنچه در این شش هفته انجام شده را ثبت کرده اند (لاعقل این آرزویی است شما دارید). اما، لازم است از خود او بشنوید، و در صورتی که مدارک بدون استفاده مانده اند (متأسفانه تعدادی نیز چنین خواهند بود)، آنچه در نظر او است می تواند جای خالی آن را پر کند. از آنچه در فکر او است آغاز کنید، و به آن بپردازید. سپس، مسائلی که با آن برخورد کرده بود را یادداشت کنید و ببینید و آنها را در کدام یک (یا هر دو) این دو قسمت می توان قرار داد:

۱. اشکال از درک مطلب بوده، یا

۲. اشکال در انجام کار.

البته امکان نیز دارد متقاضی خود مسئله ای را درک کرده و کار مربوط به آن را نیز انجام رسانده. در این صورت، باید خدا را شکر کرده و از موفقیتی که کسب کرده تقدیر کنید. باید بیاد او آورید که خدا زندگی فرزندانش را در شباهت خود بنا می سازد، و انسان احتیاج به شناخت مسئله از دیدگاه کلام را دارد و راه حلش نیز بدون دخالت احساسات، باید به مرحله اجرا قرار بگیرد. خوشا بحال کسی که تجربه در این کار بدست آورده است.

اما اگر متقاضی کلاً شکست خورد و عقب نشینی کرده، یا مرتکب گناه بخصوصی شده، آنوقت لازم خواهید داشت جلساتی را بخاطر رسیدگی به آنها فراهم سازید. به یاد این افراد آورید که خدا مسائل و مشکلات ما را بد نمی شمارد، به شرط آنکه آنها را از دیدگاه کلام بر انداز کرده و حکمی که برای آنها منظور داشته را مورد اجرا قرار بدهیم.

شکست و پسروی پطرس را مثال قرار بدهید. عیسی مسیح به پطرس هشدار داده بود که مرا انکار نکن:

متی ۲۶

۳۴: عیسی به وی گفت: «آمین، به تو می گویم که همین امشب، پیش از بانگ خروس، سه بار مرا انکار خواهی کرد!»

و انکار او موجب پس روی، ناامیدی، و بدبختی او شد. اما، از پای نیفتاد، بلکه توبه کرد و برگشت، و موجودیت خود را در خدا دوباره باز یافت (یوحنا ۲۱). اما فراتر از آن نیز بروید، و

صحبت از آنکه پطرس هیچ وقت این تجربه خود را فراموش نکرد بکنید، و در رساله دومش از خوانندگانش خواست آنها نیز این امورات را فراموش نکنند. زندگی امروزه شامل رویداد های فراوانی شده و امکان قاطی کردن و گیج شدن جای خود دارد. خدا نیز آن را می داند، و به این منظور است که دائماً ما را به یاد خود می آورد. اما اصلی نیز پای بر جا است؛ لازم نیست تلخه ها را بجشیم، و اگر پایبند بمانیم، میوه تلخ گناه را نیز نخواهیم چشید:

لوقا ۲۲

۶۱: آنگاه خداوند روی گرداند و به پطرس نگاه کرد، و پطرس سخن او را به یاد آورد که گفته بود: «امروز پیش از بانگ خروس، سه بار مرا انکار خواهی کرد.»
۶۲: پس بیرون رفت و به تلخی بگریست.

بهتر آن است که به زمین نیفتیم، ولی اگر افتادیم، خدا را بر درون داریم تا دست ما را گرفته و بر پا خیزاند. دلیل وقوع چنین پیش آمد ها، آموزشی است که از آنها بدست می آوریم. و به این خاطر لازم است که همیشه بباد آن باشیم تا ابعاد تازه ای که در زندگی آینده ما دارد را فرا بگیریم. به این جهت پطرس می گوید:

دوم پطرس ۱

۱۲: پس این امور را همواره به شما یادآوری خواهم کرد، هر چند آنها را می دانید و در آن حقیقت که یافته اید، استوارید.
۱۳: آری، مصلحت چنین می دانم تا آنگاه که در این خیمه ساکنم، شما را از طریق یادآوری برانگیزانم،

توجه داشته باشید که می گوید، ”یادآوری خواهم کرد، هر چند آنها را می دانید و در آن حقیقت که یافته اید، استوارید.“ و سپس می گوید، ”شما را از طریق یادآوری برانگیزانم.“

دوم پطرس ۱

۱۵: از این رو هر چه در توان دارم خواهم کرد تا بتوانید پس از رحلت همواره این امور را به یاد آورید.

منظورش بباد آوردن آنچه در زندگی می گذرد در پرتو کلام خدا است. ما با کلام است که پیش می رویم و زندگی می کنیم. کلام حقایق را در زندگی ما روشن می سازد، و راهی فراهم می سازد که دچار سر شکستگی نشویم و طعم تلخ شکست را نچشیم. این آیات یک موضوع را روشن می گردانند؛ پطرس از اشتباهاتش آموخت، و نمی خواست دیگر برادران و خواهرانش چنین تجربیاتی را داشته باشند. از قوت کلامش چنین برداشت می کنیم که تجربه بسیار ناگواری بود و نمی خواست دیگران آن را نیز داشته باشند. البته برای کسانی که مرتکب اشتباه می شوند، راه همان توبه است، ولی موضوع بحث در اینجا پیشگیری است. تجربیات ناگوار هر چه باشند، قوه زیادی را مصرف می کنند و جان را نیز می توانند به لب برسانند. حیاتی که از خدا است، با سرعت و تحرک بسیار پیش می رود، و نیاز به روحیه شاد و پر از امید دارد. نتیجتاً، آنچه کوه و دره که در زندگی پشت سر گذاشتیم را باید نکته عطفی بشماریم و پس از دریافت پیامی که بما رساندند، با شادی و شکر گذاری و امید، زندگی را ادامه دهیم. خدا نمی خواهد اشتباهاتی که دیگران کرده اند

را ما نیز تکرار کنیم. باید از کلام آنچه مد نظر است را در یابیم، و با نشاط به راه ادامه دهیم. از پیروزی ها نیز صحبت کنید. از زحمات کشیده شده قدردانی کنید. زندگی پطرس تنها تلخ و گریان نبود، بلکه بقدری نشاط و حیات در آن بود که شامل رساله های او شد که در کلام می خوانیم. ما فرزندان خدا هر یک جای مخصوص خود را در عالم هستی خدا داریم، و او را این گونه جلال می رسانیم. باید دید این شش هفته آموزشی، چه پایانی را منظور داشته و نسبت به آن قدم بردارید. اگر متقاضی در این هفته با مسئله ای روبرو شده و بگونه ای از طریق کلام به آن رسیدگی کرده، باید آن را زیر سنجش قرار دهید و ابعادی که در زندگی او بجای گذاشته را تفحص کنید. می توان از برداشت ها (در صورتی که مثبت بوده اند) در ابعاد مختلف زندگی استفاده کرد. برکت همیشه برکات دیگر خدا را می طلبد. آجر های ساختمانی همیشه طالب آجر های بیشتری می باشند تا ساختمان کامل شده و انسان در خدا پر پا گردد. روحیه سالم با دانش کافی از کلام، همیشه برکات را همراه می دارد، به شرط آنکه هشدار های آن را نیز بخاطر بسپاریم. بطوری که گفته شد، جلسه پیگیری باید تمام جوانب زندگی را مورد نظر قرار بدهد. ممکن است لازم باشد جلسه را دو ساعت ادامه داد، یا تبدیل به دو یا سه جلسه نمود. در مرحله پیگیری نمی توان موضوعی را خلاصه کرد یا عجله به خرج داد. منظور این است که همه چیز مورد بررسی قرار بگیرد. معمولاً موضوع بحث زیاد است و وقت زیادی را لازم دارد تا پس از آنکه هر مورد بررسی شد، شکلی کلی از تمامی آن بدست متقاضی نیز برسد. باید همه چیز جای افتاده و آشکار باشد. تنها زمانی که متقاضی به جایی رسیده که خود برداشت های خود را به درستی به زبان آورده و جای آن را در زندگیش می بیند و از آن پند های لازم را می گیرد، می توانید بگوئید که ”کاری که با هم داشتیم تمام شده“.

حال به موردی باید پرداخت که در آن متقاضی هیچ کاری نکرده، و بهانه تراشی های او تمامی ندارد. منصرف شده (با وجود آنکه تشویق کرده اید)؛ ممکن است اعتراض و گستاخی نشان بدهد (با وجود آنکه توبیخ کلام را به او داده اید)؛ ممکن است فقط ناله و شیون بر پا می کند (اگر تا بحال به این مورد رسیدگی نکرده اید، حال دیگر دیر شده، و تنها می توانید از او بخواهید زمانی که از آن خلاص شده نزد شما بازگردد). منظور این است که حد حدود مسئولیت های خود را بشناسید. شما آنچه لازم بوده را انجام داده اید. شاید در آینده شما یا شخص دیگری توانائی کمک بیشتری به او را داشته باشد، اما اگر تا این اندازه وقت صرف او کرده اید و کار بجائی نرسیده است، بهتر است او را بدست توانای خدا بسپارید.

اما، در صورتی که لازم شد به عدم پیگیری متقاضی از جریان کار رسیدگی نمائید، بهتر آن است که موضوع شناسائی کنید. راجع به کار های لازم صحبت کردید و مسائلی که جلوگیری از آن می کنند را بررسی نیز کردید. حال که انجام نگرفته اند، مسئله انضباط و عدم عادت به انجام کار های جدیدی که پیش آمده مسئله ایجاد کرده اند. ممکن است موضوع یا پیشامدی، حواسشان را بخود جلب می کند و از یاد می برند دنباله کار را بگیرند. یا به دلیلی مایل به انجام کار نیستند، و بهانه می گیرند و به تعویق می اندازند. شما می دانید که روح القدس در چنین شرایطی نمی تواند کار کند. ممکن است لازم باشد آنچه در هفته آینده می گذرد را دوباره (برای آخرین بار) برایش پیش بینی کرده و از او بخواهید تکالیفی در این زمینه برای خود بنویسد تا زندگیش نظم و شکلی را بخود بگیرد. نیت به تنهایی کافی نیست، همانگونه که بهترین برنامه ها نیز بدون عمل پوچ و بی معنی بشمار خواهند آمد. روح القدس در طریق و افکار، هر دو باهم است که میوه می آورد. جسم از جلال افتاده می گوید لازم نیست، اما خدا می خواهد آن را انجام رسانیم. به همین خاطر است که برنامه می ریزیم و زمان اجرای آن را قبلاً تعیین می کنیم، و بموقع، با همت و کوشش اجرا می نمائیم. تنها به این شکل است که به راه می افتیم و در وقت خود، به آن عادت می کنیم.

پیگیری شش هفته، هر آنچه قبلاً جزئیات کار بوده را جمع کرده، و جوانب اصولی که دارند را نشان می دهد. حکمت خدا شامل جمیع جزئیاتی است که زندگی را شکل داده، و لازم است همیشه برآورد شود تا مسیری که نشان می دهند را آشکار نماید. خدا با تمام وجود فرزندان کار می کند، و این رویداد ها و برداشت ها همه قسمتی از کل زندگی می باشند. لازم است خصوصیات فرا گرفته از این برداشت ها، به جانب بقیه جوانب زندگی متقاضی نیز رخنه کند. این مسیری است که متقاضی در آینده در آن راه خواهد رفت. برکات، هر یک طالب برکات دیگری می گردند و ساختمان بر پایه های برکات دریافت شده استوار می گردد.

نتیجتاً جلسه پیگیری را شامل کلیات و حکمتی که دارد بکنید، و برای جمع آوری و بسته بندی جزئیات، آمادگی قبلی را بدست آورده باشید. لازم است آمادگی قبلی برای آغاز کار هر آنچه ممکن است پیش آید را داشته باشید. البته بطوری که صحبت از آنها شد، موارد تعداد زیادی ندارند، اما اقدامات لازم است که می توان در همان جلسه آنها را آغاز کرد. هر چه پیشرفت کار با سرعت انجام بگیرد، برای متقاضی و کار خدا بهتر است. در آخر، برای کسانی که با موفقیت پای به این جلسه می گذارند، آماده جشن کوچکی را داشته باشید. رضایت خدا در این کار نیز هست.

مرحله سوم خلاصه مطالب

شما به خاتمه کتاب رسیده اید. من در این سه مرحله اساسی مشاوره مسیحی، سعی کردم مسائلی که متقاضیان دارند را بگونه ای تشریح و رسیدگی کنم تا خواست کلام، برآورده گردد، و امکان پیروزی را برای متقاضی و مشاور فراهم آورد.

اشکال عمده ای که مشاوران مسیحی دارند، این است که توجه به اهمیتی که جلسات در محدوده مرحله ای که در آن هستند ندارند، و نتیجتاً پیش بینی های لازم برای آن را نکرده اند. سعی داشته اند مسئله را حل کرده و مشاوره را پایان رسانند. این عجله بخاطر بی اطلاعی از ابعاد و جوانبی که دارند سر چشمه می گیرد. اما شما که این کتاب را خوانده اید متوجه شدید که عجله در کار نیست. هر کاری وقت لازم خود را دارد تا بخوبی انجام بگیرد. ممکن است بعضی افراد بگویند، ”او انتظار زیادی را دارد“. بعکس، من فکر می کنم صحبت را بسیار کوتاه و موضوع ها را فشرده بررسی کرده ام. از محدوده و جوانب کار که نمی توان کاست.

شاید مهمترین کار این بوده که جلسات را به این سه قسمت عمده تقسیم کردم. این کاری نیست که تابحال انجام گردیده، و یقین دارم مشاوره ای که این ترکیب را به جلسات خود بدهد، متقاضیان را بهتر در راه زندگی روحانیشان راهنمائی خواهد کرد.

برای متقاضیان تغییر راه، کار مشکلی است. البته این مربوط به مشاوران نیز می گردد. من این را خوب می دانم. اما، با وجود آنچه از شما خواسته ام تغییر در کار است، امیدوارم تن به آن داده و تغییر را ایجاد سازید.

بطوری که در جای دیگر گفتم، سعی داشته ام که مطالب را بصورت عملی بیان کنم. البته جوانب نظری را نمی توان نادیده گرفت، ولی منظور ساده و جامع نمودن مطالب است تا بتوان جمیع جوانبی که در کار است را مد نظر داشت. شاید لازم باشد دوباره به کتاب رجوع کنید و آنچه کمبود دارید را جبران کنید. اگر چنین کنید، و صورت لازم را برای خود فراهم سازید، در عمل متوجه خواهید شد که کیفیت کارتان بهتر شده است.

خوب، این هم پایان کتاب. دعا می کنم خدا شما و متقاضیان شما را برکت داده و جلال به نام خود آورد.